

من با یک تیم کاملا حرفه‌ای و بسیار صمیمی و درجه یک روبه‌رو بودم و ما همیشه باهم احساس راحتی داشتیم. در مورد همبازی‌هایی که سوال کردید می‌توانم بگویم بزرگ‌ترین کمکی که یک بازیگر می‌تواند به نقش مقابلش بکند، این است که برای فرد مقابل همراه خوبی باشد و همه این افراد همبازی‌های بسیار خوبی برای من بودند و یک انرژی مثبت خاصی بین همه مبادله می‌شد؛ از خود امیرحسین ترابی که کارگردان کار بود تا تک‌تک بچه‌های پشت صحنه.

فارغ از «هزار تو» به طور کلی آیا فضای سینما و تلویزیون را فضای ملت‌پسندی برای بازیگران تازه‌کار می‌دانید؟ سختی‌های این فضای بیشتر است یا امیدواری‌هایش؟

من احساس می‌کنم که اگر آدم عاشقانه کاری را دوست داشته باشد، باید خودش را برای مواجه شدن با سختی‌های آن حرفه آماده کند و این موضوع فقط مختص بازیگری نیست. چون من تخصص دیگری هم دارم، این موضوع را با جان و دل حس کردم و این چیزی است که به آن ایمان دارم. قطعا در هر کاری سختی‌هایی وجود دارد و سنگ‌هایی سر راه هست، ممکن است جایی احساس کنی دیگر نمی‌توانی و ناامید شوی، ولی بزرگ‌ترین موتور محرک هر کسی برای ادامه مسیری که انتخاب کرده، عشق است. اگر عاشق آن کار باشی، قطعا سختی‌های مسیر آسان می‌شود.

به نسبت سال‌های قبل وقتی آثار سینمایی را تماشا می‌کنیم، متوجه می‌شویم که گروهی از بازیگران تکراری در یک سری از فیلم‌ها حضور دارند و این یعنی سخت شدن حیات بازیگران تازه‌چهره شده یا کسانی که تازه می‌خواهند رام ورود پیدا کنند. در این اوضاع شما به عنوان بازیگر چه راه حلی به ذهنانتان می‌رسد تا خودتان را بالا بکشید؟

متأسفانه همه شاهد این قضیه هستیم که برخی از کارگردان‌ها با یک سری عوامل ثابت کار می‌کنند و مدام سریال و فیلم می‌سازند و بعضا شنیده می‌شود که حتی مخاطبان هم از این تکرارها گله‌مند هستند. من فکر می‌کنم باید به افراد مستعد اجازه داده شود خودشان را نشان دهند، حالا چه با کارهای کوچک‌تر محک زده شوند، چه در کارهای بزرگ‌تر و در نقش‌های اصلی. اما متأسفانه این اتفاقات به چشم می‌خورد و می‌تواند راه را برای ورود کسانی که چهره‌هایی تازه هستند، سخت کند.

در روند پیشنهاد دادن نقش به نظر شما چه عواملی وجود دارد که یک بازیگر با تکیه بر

آن‌ها بتواند نقش‌های خوبی را بگیرد؟ آیا باید در تمامی مجامع سینمایی، جشن‌ها و رویدادهای مختلف حضور داشته باشد تا بتواند نقش‌های خوبی را بگیرد یا اینکه نه، می‌شود در خانه نشسته باشد و نقش خوب هم به او پیشنهاد شود؟

در گذشته در سینما شایسته‌سالاری بود، یعنی شما باید جست‌وجو می‌کردید تا کسی را پیدا کنید یا حتی به عنوان یک گزینه به آن فکر کنید که برای فلان نقش چه کسی می‌تواند مناسب باشد، ولی در حال حاضر با وجود فضاهایی مثل اینستاگرام، دیده می‌شود که برخی از هر طریقی سعی می‌کنند با این حضور رنگارنگ و جلب توجه‌هایی که شاید حاشیه‌ای باشد و مورد پسند بنده نیست، مرکز توجه قرار بگیرند. از نظر من بازیگر اگر دیده نشود خیلی بهتر از آن است که بخواهد به شکل‌هایی خودش را نشان بدهد تا دیگران یادش بیفتند. من ترجیح می‌دهم با یک اثر خوب دیده شوم حتی اگر زمان بر باشد و دیر هم اتفاق بیفتد، تا اینکه دست‌اندرکاران بخواهند با حضورهایی که اصلا لازم نبوده یادم بیفتند یا بخواهم کاری را در جهت جلب توجه انجام دهم. البته به افرادی هم که چنین کارهایی را انجام می‌دهند، خرده نمی‌گیرم. برای آن دسته از افرادی که مستعد هستند و عرصه‌ای نیست که در آن دیده شوند، شاید این شکل دیده شدن کمک‌کننده و تنها گزینه باشد. می‌بینیم کسانی که حاشیه‌ساز هستند، خبرساز می‌شوند و بلافاصله می‌شنویم که فلان نقش به آن‌ها پیشنهاد شده است، در صورتی که این اتفاقات می‌تواند به نوعی ضعف تلقی شود و روال نباید به این صورت باشد.

فضای مجازی در خارج از کشور در کار بازیگران خیلی اثرگذار نیست، یعنی تهیه‌کننده‌های خارجی به این فکر نمی‌کنند که مثلا فلان بازیگر یا فلان آر‌تی‌ست چه تعداد فالوور و دنبال‌کننده دارد؛ با وجود اینکه می‌بینیم بازیگران خارجی اصلا دنبال‌کننده جعلی هم ندارند و دنبال‌کنندگان آن‌ها جهانی هستند و از روی تعداد لایک و کامنت و با بررسی صفحه مجازی این افراد می‌توان به این وضعیت پی برد. اما چیزی که در سینمای ما زیاد به چشم می‌خورد این است که تهیه‌کننده‌ها معمولا روی عدد دنبال‌کننده صفحات بازیگران

حساس هستند و به آن توجه می‌کنند. این مساله ای است که من هم این روزها درگیرش هستم و از اطرافیان هم می‌شنوم. در اکثر دفاتر می‌گویند ما فلان بازیگر را برای فلان نقش قرار می‌دهیم، چون تعداد زیادی دنبال‌کننده دارد. یعنی در صفحات بازیگران جست‌وجو می‌کنند و بر حسب تعداد دنبال‌کننده به انتخاب بازیگر می‌پردازند، با وجود اینکه از جعلی بودن این مخاطبان اطلاع دارند. بعضا خود این افراد هم با اینکه بازیگر نیستند، مخاطب جعلی دارند. در نتیجه اتفاقی که می‌افتد، این است که شما با فیلم‌ها و سریال‌هایی مواجه می‌شوید که یک سری بازیگر دارند که ملاک انتخابشان همین تعداد دنبال‌کننده بوده و مخاطب ندارند و مخاطبان ناراضی هستند و نتیجه‌ای که فکر می‌کردند را نمی‌گیرند و فروش فیلم‌ها هم آنچنان خوب نمی‌شود. من احساس می‌کنم این فضای رنگی اینستاگرام جوری افراد را آلوده کرده که نمی‌دانند کجا قرار دارند و دور خودشان می‌چرخند و به سمت انتخاب‌ها و مسائل این چنینی می‌روند.

عکس این قضیه درباره فیلمسازان خوب صادق است؛ مثلا بازیگرانی که آرایش‌های عجیب و ظاهر نامتعارف دارند و آن‌هایی که دنبال خودنمایی هستند، معمولا به چشم فیلمسازان خوب ما نمی‌آیند و این فیلمسازان معمولا به سمت آن دسته از بازیگرانی که خودنمایی ندارند و بی‌حاشیه هستند، گرایش پیدا می‌کنند.

بله دقیقا. من هم مطمئنم ترجیح فیلمسازان خوب ما این است اشخاص هنرمند را انتخاب کنند تا اینکه بخواهند به ظاهر و رنگ و لعاب‌های ظاهری بازیگر اهمیت دهند. فضا به گونه‌ای است که اشخاص هنرمند چون در سکوت به راهشان ادامه می‌دهند دیده نمی‌شوند، پس فیلمسازان خوب ما باید طبق گذشته همان جست‌وجو‌ها را برای انتخاب بازیگر داشته باشند و فیلم خوب ببینند تا به بازیگر خوب برسند. فضای مجازی، محل انتخاب گروه بازیگران نیست!

بعد از اکران «هزار تو» پیشنهاد جدیدی داشتید؟

به طور کلی دو پیشنهاد تئاتر داشتیم که در حال حاضر به یکی از آن‌ها فکر می‌کنم. یک پیشنهاد سریال خانگی هم دارم که در حال خواندن طرح کلی آن هستم و هنوز قطعی نیست. سه ماه پیش هم سریالی با نام «ملکان» به کارگردانی آقای احمد معظمی کار کردم.

در کل قالب برای من فرقی نمی‌کند و چه در تلویزیون، چه تئاتر و چه در سینما اگر یک اثر خوب باشد و احساس کنم که با تمام وجود تمایل دارم در آن کار کنم، این کار را انجام می‌دهم.



در گذشته در سینما شایسته‌سالاری بود، یعنی شما باید جست‌وجو می‌کردید تا کسی را پیدا کنید یا حتی به عنوان یک گزینه به آن فکر کنید که برای فلان نقش چه کسی می‌تواند مناسب باشد، ولی در حال حاضر با وجود فضاهایی مثل اینستاگرام، دیده می‌شود که برخی از هر طریقی سعی می‌کنند با این حضور رنگارنگ و جلب توجه‌هایی که شاید حاشیه‌ای باشد و مورد پسند بنده نیست، مرکز توجه قرار بگیرند. از نظر من بازیگر اگر دیده نشود خیلی بهتر از آن است که بخواهد به شکل‌هایی خودش را نشان بدهد تا دیگران یادش بیفتند. من ترجیح می‌دهم با یک اثر خوب دیده شوم حتی اگر زمان بر باشد و دیر هم اتفاق بیفتد، تا اینکه دست‌اندرکاران بخواهند با حضورهایی که اصلا لازم نبوده یادم بیفتند یا بخواهم کاری را در جهت جلب توجه انجام دهم. البته به افرادی هم که چنین کارهایی را انجام می‌دهند، خرده نمی‌گیرم. برای آن دسته از افرادی که مستعد هستند و عرصه‌ای نیست که در آن دیده شوند، شاید این شکل دیده شدن کمک‌کننده و تنها گزینه باشد. می‌بینیم کسانی که حاشیه‌ساز هستند، خبرساز می‌شوند و بلافاصله می‌شنویم که فلان نقش به آن‌ها پیشنهاد شده است، در صورتی که این اتفاقات می‌تواند به نوعی ضعف تلقی شود و روال نباید به این صورت باشد.